

خداوند بخشنده دستگیر کریم خطابخش پوزش پذیر

خدا برای او، دوچشم سرخ و دوحدقه، چونان ماه تابان آفرید و به او گوش پنهان، و دهانی متناسب اندامش بخشید. ملخ، حواسی نیرومند و دودندان پیشین دارد که گیاهان را می چیند و دوپای داس مانند، که اشیا را برمی دارد.

این باری است که بر دوش تو نهاده شده است؛ باری به گرانی دماوند، که هر پشت را خرد می کند؛ مگر پشت ستبر و ستوار و نیرومند. هان و هان! خویشان را خوار مدار و ایران و خود را بشناس و پروردگار پاک را سپاس بگزار به پاس آنکه، تو را فرزند ایران برگزید.

عرض کرد: به قدر می گویم و بی موقع و بی حساب نمی گویم؛ به قدر فهم مستمعان می گویم. اصل این است که در دل تو؛ بغض و کینه و حسد مسلمانان نباشد و در ذکر حق باشی.

خانواده، برای خود هنجار و حریم و آدابی دارد. اهل هر خانواده، متناسب با آن آداب و معیارهای اخلاقی تربیت می شوند و حرمت یکدیگر و اجتماع را پاس می دارند؛ هر کس نمی تواند حصار خانواده را فرو بریزد و وارد فضای پاک و امن آن بشود.

حدّ من نیست ثنایت گفتن گوهرِ شکرِ عطایت سفتن
عقل ها حیران شود کز خاک تاریک نژند چون برآید این همه گل های نغز کامکار